

دغدغه دارم...
آزادی مدنی
تشکل جزیره ای!
جامعه شناسی
بدون جامعه

معلولیت
محدودیت نیست
دود کردن سیگار یا
دود کدن زندگی...
من در میان جمع و
دلهم جای دیگر است...



إِجَازَةُ دَهِيْدُ بَگَوِيْمَ...





صاحب امتیاز: انجمن علمی علوم اجتماعی | **مدیر مسئول:** محمد تقی توسلی | **سر دبیر:** سیده مریم علوی | **گرافیک و صفحه آرایی:** محمد عرب، علی میری خندان | **ویراستار:** فرزانه شاهینی | **هیئت تحریریه:** محسن شعبانی، میلاد عبدالله آبادی، محمد عرب، سیده مریم علوی، فاطمه ثنائی راد | **با تشکر از** عفت بدری

استاد مشاور علمی: دکتر کوروش غلامی

نشریه انجمن علمی علوم اجتماعی | سال اول | شماره اول | اسفند ۹۴ | بها ۱۰۰۰ تومان

سخن دبیر انجمن علمی :

انجمن علمی علوم اجتماعی، با هدف ارتقاء سطح علمی دانشجویان علوم اجتماعی و کمک به مسائل علمی و آموزشی آنان تشکیل گردید. امید آنکه بتوانیم با تعامل، همفکری، مشارکت و ارتباطی پویا با یکدیگر در فرایند ارتقاء سطح علمی خود و سایر دوستان و همکلاسی ها سهیم باشیم.

هدف اصلی نشریه بر این راستا شده ایم که با کمک دوستان و اعضای فعال انجمن علمی جهت ارتقاء سطح علمی و آگاهی دیگر دوستان چه در همین رشته علوم اجتماعی و دگر رشته های دیگر به سطح فراگیری دوستان با یکسری از مسایل و پدیده های که در هر گوشه از جهان با آن روبه رو هستیم آشنایی در ذهن خوانندگان این نشریه داشته باشیم.

به امید آنکه بتوانیم در کسب علم و دانش و نیاز شما دوستان و دانشجویان که در رشته علوم اجتماعی در حال تحصیل هستید کمک شایانی کرده باشیم و از شما عزیزان که ما را جهت اداره کردن انجمن علمی شایسته دانستید خواهشمندم در این راه پر فراز نشیب با طرح ایده های خوب در پیشبرد اهداف علمی و مهارت دانش روز با پیشنهاد های خوبتان ما را یاری و راهنمایی کنید.

دبیر انجمن علمی علوم اجتماعی
میلاد عبدالله آبادی

- ۳ سخن دبیر انجمن علمی
- ۴ نگاه تحلیلی نسبت به محیط پیرامون
- ۴ دغدغه دارم
- ۵ جامعه و اعتیاد
- ۶ دود کردن سیگار یا دود کردن زندگی
- ۸ من در میان جمع دلم جای دیگر است
- ۱۰ از بیکاری تا خودکشی
- ۱۱ جامعه شناسی آنتونی گیدنز (معرفی کتاب)
- ۱۱ زن سالاری
- ۱۲ معلولیت محدودیت نیست
- ۱۴ آزادی مدنی
- ۱۵ روایت شیرین و شک برانگیز یک جدایی
- ۱۶ جامعه شناسی بدون جامعه
- ۱۷ تشکل جزیره ای
- ۱۸ معرفی فیلم
- ۱۹ زندگی وارونه

در صورت تمایل به چاپ آثار می توانید مطالب خود را مطابق رسم الخط پژوه که منطبق با آیین های نگارشی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی است به آدرس ایمیل نشریه ارسال بفرمایید. طبیعی است حق تلخیص و ویرایش مطالب برای پژوه آزاد است. لازم به ذکر است برای اطلاع از پذیرفته شدن آثار صرفا از طریق ایمیل اقدام نمایید.

p a j u h e g o l e s t a n @ g m a i l . c o m

نگاه تحلیلی؛ نسبت به محیط پیرامون

معرفی رشته علوم اجتماعی

دغدغه دارم...

دست نوشته یک دانشجو...

...دغدغه

دغدغه دارم

با شوق و ذوق دانشگاه اومدم و آرزوهایی داشتم مرور کردم با جو دانشگاه آشنا شدم. دوست داشتم فعالیت کنم و تحرک داشته باشم و یک دانشجوی منفعل نباشم شروع کردم به جستجو کردن، انجمن ها، کانون ها تا با انجمن علمی آشنا شدم با مشاهده انجمن علمی رشته خودم متوجه شدم که چه فعالیتی هایی می توانم انجام بدم. نخست با فعالیت های انجمن آشنا شدم بعد مدتی جذب شدم و به سرعت در بطن کار قرار گرفتم، بازدید ها، همایش ها... دقیقا به اون چیزی که می خواستم رسیدم. خواستم بدانم انجمن ما به این فعالی بوده یا نه؟ به فعالیت های انجمن علمی در سال نود سه فعالیت و سال ۹۱ ۹۲ هیچ فعالیتی صورت نگرفته بود، پیش خودم فکر کردم که چه چیزی باعث این تحرک شده کلا دانشگاه حس حال عجیبی داده بود. عده ای می گفتن خوش به حالت که تازه اومدی.. و انگار یه چیز نمیخواست فعالیت ما بیشتر بشه انگار داشتن جلمونو میگرفتن، هر فعالیتی تو دانشگاه میکردیم.. همایش سال قبل ما رو مورد حمله قرار می دادند، آخر مگر چه بوده، سال گذشته همایشی با عنوان خشونت علیه زنان برگزار شده بود که همه چیز به خوبی و خوشی تمام شده بود طبق گفته های بچه ها، حال سوال این جاست که چرا به خاطر این همایش ما را مورد سرزنش قرار میدهند. چرا مسئولین دانشگاه به خود اجازه می دهند به واسطه این همایش و همایش های دیگر جلوی دو دانشجو در دفتر کار به استاد توهین کنند. برای من جای سوال است چرا، لطفا پاسخ گو باشید...

نویسنده: نیوشا زارع

بخش دولتی در سازمان های برنامه و بودجه، وزارت کشور، فرمانداری ها و در اکثر اداره های دولتی می توانند مشغول به کار شوند و در سایر بخش های عمومی شهرداری ها، مؤسسه های مختلفی از قبیل بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی ره، سازمان بهزیستی و مؤسسه های رفاهی مکان های مناسبی برای اشتغال هستند. فارغ التحصیلان می توانند به صورت کارشناسان مستقل تحقیقات شهری، روستایی و منطقه ای نیز فعالیت کنند.

گرایش تعاون و رفاه اجتماعی

فارغ التحصیلان این گرایش می توانند در شاخه ها و واحدهای مختلف وزارتخانه تعاون کار کنند. همچنین می توانند در تعاونی های شرکت ها و وزارتخانه های مختلف اعم از تعاونی های تولیدی، مصرف و مسکن به عنوان مدیر و برنامه ریز مشغول به کار شوند. با این که فارغ التحصیلان این گرایش می توانند در بسیاری از وزارتخانه ها و شرکت های خصوصی و دولتی مفید باشند. گرایش مردم شناسی

مردم شناسی زیربنای بسیاری از فعالیت های اجتماعی است و این به معنای آن است که زمینه های شغلی متنوعی برای فارغ التحصیلان این گرایش وجود دارد و اکثر وزارتخانه ها به فارغ التحصیلان آن نیازمندند. زیرا باید بخش تحقیقات مردم شناسی بسیار گسترده ای داشته باشند. البته برخی از وزارتخانه ها مثل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی، وزارت کشور و وزارت نیرو در حال حاضر نیز دارای چنین بخشی هستند و فارغ التحصیلان این رشته را جذب می کنند. همچنین فارغ التحصیلان این رشته می تواند به مطالعه و تحقیق آزاد روی آورده و نتیجه تحقیقات خویش را به صورت کتاب منتشر سازد. چون امروزه کتبی که در زمینه مردم شناسی چاپ می شود، بازار بسیار خوبی دارد.

تهیه کننده: بنیامین ایگدري

گرایش پژوهشگری علوم اجتماعی در حال حاضر پژوهش های اجتماعی رواج و گسترش پیدا کرده است و نه تنها بخش های دولتی موظف به انجام تحقیقات اجتماعی هستند بلکه بخش های خصوصی نیز به تحقیقات اجتماعی روی آورده اند. به همین دلیل به جرأت می توان گفت که امروزه یک دانشجوی باسواد این گرایش که دارای مهارت پژوهشی باشد، هرگز مشکل اشتغال نخواهد داشت. فارغ التحصیل این رشته با توجه به بینش و دانش اجتماعی که در طول تحصیل کسب می کند و همچنین توانایی هایی که در خصوص امر پژوهش و تحقیق بدست می آورد، می تواند تقریباً در همه ارگان ها و سازمان های دولتی و غیر دولتی فعالیت کند. از جمله نهاد ریاست جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مرکز آمار ایران، سازمان تأمین اجتماعی، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت کشور، نیروی انتظامی، صداوسیما، شهرداری ها، فرمانداری ها، سازمان زندان ها و بسیاری سازمان ها و ارگان های دولتی و غیر دولتی. زمینه فعالیت دیگری که برای فارغ التحصیل این رشته وجود دارد اینست که می تواند به صورت خصوصی و گروهی به امر پژوهش و تحقیق بپردازد و با توجه به نیاز مبرم کشور و افزایش طرح های پژوهشی و تحقیقی در همه زمینه ها، فرصت های شغلی فارغ التحصیلان این رشته بسیار زیاد شده است.

گرایش برنامه ریزی اجتماعی

فارغ التحصیلان این گرایش دیدگاه های خوبی در زمینه مسائل شهری و روستایی، حمل و نقل، برنامه ریزی اجتماعی - اقتصادی با بعد اجتماعی پیدا می کنند و می توانند در سه بخش دولتی، خصوصی فعالیت نمایند. که در



جامعه و اعتیاد

زمان‌های گذشته تاکنون، بشر در جستجوی آرامش بیشتر بوده و راه‌های بیرونی و درونی کسب آن را پیموده است. در میان آن‌ها برخی مفید و برخی پرضرر بوده و موجب بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی گردیده است. عادت‌های خوب بد زائیده‌ی شرایط پیرامونی و گاه وضعیت فیزیولوژیکی افراد است. افراط در عادت‌های بد منجر به اعتیاد می‌شود، خواه به معنای خاص و کلاسیک آن، یعنی سوء مصرف و وابستگی به انواع مواد مخدر و الکل، و خواه در معنای گسترده و امروزی که استفاده‌ی مکرر و مداوم از دستگاه‌های ارتباطی و الکترونیک را نیز شامل می‌شود.

البته اعتیاد در معنای خاص آن می‌تواند آسیب‌های بارز تری بر پیکره جامعه وارد کند و میزان کارایی اجتماعی و فردی را به عنوان یک بیماری تحت الشعاع قرار دهد لیکن اعتیاد عام که در دهه‌های اخیر بیشترین قربانی را داشته، می‌تواند موجب انحطاط رفتاری و علمی در جامعه شده و بر توسعه کشور تأثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارد.

در این مقال برآنیم تا در خصوص مفهوم نخست اعتیاد و علل پیدایی آن مطالبی ذکر کنیم، شاید بتوانیم در جهت محو این معضل اجتماعی گامی برداریم. تعریف اعتیاد به مواد مخدر سازمان بهداشت جهانی اعتیاد را به طور متناوب یا مزمّن حالتی میداند مضر جهت فرد و اجتماع که به وسیله‌ی مصرف مستمر ماده‌ی تخدیر کننده چه طبیعی چه مصنوعی ایجاد میگردد و و خواص آن عبارتند از:

میل و احتیاج به مصرف ماده‌ی مخدر و تهیه آن به هر صورت و عنوان گرایش جهت اضافه نمودن آن هر روز بیشتر انقیاد روانی و گاهی جسمی در نتیجه‌ی استعمال مواد مخدر اعتیاد به مواد مخدر، حالت وابستگی یا عادت مرضی در به کار بردن مواد سمی تحریک کننده یا آرام بخش دستگاه عصبی که به صورتی مطبوع حس درونی و وضع عاطفی را تغییر میدهد این وضع با اعتیاد تدریجی و حالت نیاز دردناکی که بر اثر نبودن مواد سمی بروز می‌کند، مشخص می‌شود.

از دیدگاه جامعه شناختی آنچه مهم تر از عوامل فردی در گرایش به اعتیاد به مواد مخدر می باشد، عوامل اجتماعی-فرهنگی است. نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکاف عمیق طبقاتی در جامعه، بیکاری، از بین رفتن و جابجایی ارزش‌های جامعه، رشد بی قواره صنعت و عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت ناشی از آن از طرفی، از طرف دیگر در آن جامعه برای تفریح، شادی و گذران اوقات فراغت و بیکاری جوانان از طرف دولت برنامه ریزی‌های اجتماعی نشده باشد و رشد صنعت و شهرنشینی، شکاف طبقاتی را زیاد کند، همه این عوامل، باعث گرایش به انحرافات از جمله اعتیاد خواهد شد.



از جمعیت ۷۰ میلیون نفری ایران، ۲ میلیون نفر به عنوان حرفه‌ای مواد مخدر مصرف می‌کنند. آمارهای رسمی حکایت از آن دارد که تعداد مصرف کنندگان تفریحی مواد مخدر نیز حدود ۸۰۰ هزار نفر است اما این تمام واقعیت نیست در حالی که ما با کشوری مرز مشترک داریم که سالانه بیش از ۶ هزار تن مواد مخدر تولید می‌کند و بیشتر تولید خود را به ایران سرازیر می‌کند و نیروی انتظامی کشور هم معترف است که در خوش بینانه ترین حالت فقط قادر به کشف ۳۵ درصد از مواد مخدري است که وارد کشور می‌شود.

گفته می‌شود که سالانه ۹۰ هزار نفر به جمع معتادان کشور اضافه می‌شود. آمار رسمی هیچ‌گاه به واقعیت نزدیک نیست حتی وجه مشترک هم ندارد تعداد معتادان تفریحی توسط کدام نهاد برآورد شده است چه زمانی تحقیق کردیم که چه تعداد از این جوانانی که ظاهر سیگار لای انگشت دارند، مشغول کشیدن گراس یا حشیش هستند؟ آیا آن فردی که فعلاً دو بار یا سه بار یا پنج بار در هفته مواد مخدر از هر نوع مصرف می‌کند، آن قدر ساده لوح است که خود را معرفی کند؟ او در چنین شرایطی حتی به فکر ترک هم نیست، چون اصلاً خود را معتاد نمیداند در حالی که تمام کارشناسان اعتیاد می‌گویند که نهایت و پایان راه تمام معتادان تفریحی هم به اعتیاد حرفه‌ای ختم می‌شود.

اعتیاد زنان اکثراً ریشه در بستر خانواده‌های مغشوش دارد طبق آمارهای مستند اغلب زنان معتاد مجرد، پدر یا برادر معتاد دارند و یا اینکه مورد بزه اجتماعی واقع شده‌اند و اکثر زنان معتاد متأهل توسط همسرانشان آلوده می‌شوند. متأسفانه خدمات مراکز ترک اعتیاد به نحو چشم گیری مردانه هستند در نتیجه جذب زنان معتاد به مراکز ترک اعتیاد بسیار کم است و این مبنی بر تعداد اندک آنان نیست.

زنان معتاد هراسان از تقبیح نگاه سخت جامعه به آنان از مراجعه به مراکز ترک پرهیز می‌کنند تنها طی ۴ سال گذشته رشد اعتیاد زنان ۳ برابر مردان بوده است و اگر به همین منوال پیش برود، تعداد آنان با مردان معتاد به زودی برابر خواهد شد.

زنده نگه داشتن بسیاری از نگرش‌های دوران کهن که با زندگی در جامعه معاصر هم خوانی ندارد و تأکید بر پرورش آن از بعد اینکه زن باید پیرو مرد باشد را نمی‌توان در اعتیاد زنان بی تأثیر انگاشت.

برخی آمارهای موجود در مورد مواد مخدر نشان می‌دهد که ۷۵ درصد معتادان کشور بالای دیپلم بوده و ۶۳ درصد معتادان متأهل هستند، از سوی دیگر عامل ۵۰ درصد طلاق‌ها و ۲۰ درصد قتل‌ها است.

در هر حال کارشناسان معتقدند با توجه به عواملی مانند کاهش سن اعتیاد، تغییر الگوی سوء مصرف و استفاده از مواد مخدر صنعتی در میان جوانان، افزایش تعداد معتادان زن و همچنین استفاده از مواد مخدر در میان کودکان خیابانی و... باید مسئولان و مدیران دستگاه‌های ذربط در ارتباط با کاهش سوء مصرف مواد مخدر و جلوگیری از توزیع آن اقدامات و برنامه ریزی‌های لازم را انجام دهند تا شاید بتوان این آسیب اجتماعی و جرایم مرتبط با آن را در جامعه کاهش داد.

نویسنده: روح انگیز درخشان نیا

دود کردن سیگار یا دود کردن زندگی؟

هم دود میشود.

(۵) خانواده ات از این موضوع مطلع هستند؟

بله-دیگر برای آن ها مهم نیستیم. حتی آن ها تلاش نکردند که از این راه من را برگردانند. دوست بد این بلا را سره من آورده است. فقط در حال حاضر آرزویم این است که زمان برگردد.

چند تا پسر زیر یک آلاچیق مشغول سیگار کشیدن بودند این برایم یک فرصت مناسب بود که بروم و هر چی سوال دارم از آن جمع بپرسم. اما پا گذاشتن به آن جمع کاره خیلی سختی به نظر می آمد.

بالاخره با هر ترسی بود رفتم و فقط اصرارم این بود که به حرفهایم گوش کنند از آن ها سوال کردم که کسی در این جمع دانشگاه می رود؟ احساس کردم شاید بتوانند همکاری کنند یکی در میان جمع دست خود را بلند کرد و از آن فرد خواستم که موضوع را به دوستانش بگوید تا جواب سوالاتم را بدهند. بالاخره یک دختره ۱۸ ساله به اسم محیا راضی شد که جواب سوالاتم را بدهد. محیا دو سال مبتلا بود سولاتی که از محیا پرسیدم :

(۱) علت مبتلا شدن به سیگار؟

طلاق پدر مادرم . با طلاق آن ها ضربه ی بدی خوردم و اوضاعم کاملاً بهم خورد . بار اولی که سیگار کشیدم آرام شدم و چند ساعتی مشکلاتم را فراموش کردم و تصمیم گرفتم که چند وقتی سیگار بکشم بعد از آنکه اوضاع روحیه ام بهتر شد سیگار را ترک می کنم اما اینطور که فکر می کردند نشد الان یک سال و نیم که این تصمیم را دارم اما اراده ام رو از دست دادم وقتی در جمع دوستانم هستم بیشتر سیگار می کشم. (۲) پدر مادرت را مقصر این موضوع میدانی؟ طلاق آن ها عامل کوچکی بود برا مبتلا شدنم . خیلی ها هستند که پدر مادرشان از هم جدا شده اند اما سمت سیگار نرفته اند . بنظرم برای کشیده شدن به این راه دوست بد خیلی میتواند تاثیر گذار باشد.

(۳) در محیط خانه بیشتر سیگار می کشی یا بیرون؟ بیرون و در جمع دوستانم در خانه بخاطر پدر بزرگ مادر بزرگ نمیتوانم نمی توانم سیگار بکشم . آن ها هیچ اطلاعی ندارند. محیا تنها آرزویش این بود که آنقدر اراده اش قوی شود که بتواند سیگار را کنار بگذارد .

سوژه ی سوم نیازی به تلاش من نداشت انگار خودش حرف واسه گفتن زیاد داشت حمید رضا ۲۴ ساله از سن ۱۸ سالگی موقعی که دانشجو بوده . اما از دانشگاه انصراف داد. او میگفت آنقدر گذشته ام را خراب کرده ام که دانشگاه برایم بی معنی بود سولاتی که از حمید رضا پرسیدم :

(۱) چرا سیگار؟؟

یک شکست عاطفی بزرگ باعث در سن ۱۸ سالگی باعث این موضوع شد. به دختری علاقمند شدم اما اون دختر ارزش علاقه ی من را نداشت و... من به خاطر فراموش کردن اون موضوع به پیشنهاد یکی از دوستانم اولین نخ سیگار را برداشتم و تا الان دارم همان یک نخ سیگاری که برداشتم ام را میدهم. اوایل خیلی آرام می شدم حتی گاهی اوقات آن را جایگزین عشقم میدانستم اما خیلی زود آن حس آرامش از بین رفت و مجبور بودم سیگار پشت سیگار روشن کنم .

تعداد سوژه هایی که در نظر گرفته بودم ۶ نفر بودند. ساعت ۱۰ صبح همراه با پدرم به پارک شهرداری گرگان رفتیم. پدرم قرار بود فقط شرایط را از دور کنترل کند تا مشکلی پیش نیاید . چون اگر آن ها همراه من یک مرد میدیدند مطمئناً حس صمیمیت کمتری می کردند و جواب نمیدادند. یک جمع چهار نفره روی سبزه ها مشغول سیگار کشیدن بودند که کوچکترین آن ها نظرم را جلب کرد که چرا در این سن به جای بازی فوتبال. درس و مدرسه اینجا در این وضعیت. رفتم جلو و اشاره کردم که کارش دارم آمد جلو و از او خواهم کردم که جواب سوالم را بدهد. او هم بدون هیچ مخالفتی قبول کرد انگار حوصله ی مخالفت کردن را هم نداشت. بی انگیزگی از سر و رویش میبایرد اسمش علی بود ۷۶ سال داشت ۲ سال بود که مبتلا شده بود. از او پرسیدم : (۱) دلیل اینکه به سیگار کشیدن روی آوردی چه بود؟

فکر می کردم حال خوب می شود و بیخیال مشکلاتم میشوم.

(۲) سیگار برای شما اعتیاد است یا تفریح؟

اوایل تفریحی بود اصلاً فکر نمی کردم که تبدیل به اعتیاد شود و بخواهد اینگونه اراده ام را بگیرد.

(۳) سیگار کسدن چه حسی به شما میدهد؟ حس بزرگتر بودن در جمع دوستان؟

نه. اصلاً سیگار آدم را زشت و بی اراده می کند و دیگر کسی آدم را جدی نمیگیرد.

(۴) اوضاع درس و مدرسه ی شما چگونه است؟ (در حالی که سعی داشت اشکهایش را کنترل کند) اگر درس میخواندم الان دوم دبیرستان بودم اما الان نه مدرسه میروم نه کار می کنم. زندگی برایم بی معنی شده به اندازه ی نخ به نخ سیگاری که دود می کنم زندگی ام



۲) چند تا موقعیت خوب زندگی ات را به خاطر سیگار از دست دادی؟
ربطی به سیگار ندارد زندگی ات را بی انگیزه می کند بعدش هم موقعیت ها یکی یکی از بین می روند.

۳) در محیط خانه هم سیگار می کشی؟

نه-خانواده ام هیچ اطلاعی ندارند فقط در جمع دوستانم.

۴) سربازی باعث ترک کردن سیگار نشد؟

سربازی روحیه ی آدم را خیلی خراب می کند سیگار که جای خود دارد باعث میشود به هزار مواد دیگر هم مبتلا شویم.

۵) دوست داری از راهی که رفتی برگردی؟ بله-اما نمیشود سیگار خیلی بی اراده ام کرده .

سوژه ی چهارم

رضا ۲۲ ساله مدت مصرف ۱۱ سال از لحاظ ظاهری خیلی بهم ریخته بود . تا سال دوم راهنمایی بیشتر درس نخوانده بود اما در ادامه ی مصاحبه با او متوجه شدم که سطح درس فهمیدگی هیچ ارتباطی به سطح تحصیلات ندارد.

سوالاتی که از رضا پرسیدم:

۱) چرا سیگار؟ چرا از ۱۰ سالگی؟؟

چون در خانواده ام زیبا نبودم به من اهمیت نمیدادند و مایه ی سرافکندگی خانواده ام بودم این موضوع خیلی اذیتم می کرد به خاطر همین اولین بار از پاکت سیگار پدرم یه نخ سیگار برداشتمو رفتم بیرون کشیدم خیلی حس خوبی بهم دست داده بود .همین حس خوب باعث شد ۱۱ سال اینطوری بخاطر سیگار آینده ام رو تباه کنم.

۲) سیگار کشیدن به شما آرامش میده؟

بله -خیلی زیاد اگر هرچقدر ضرر بدی هم داشته باشد اما لحظه آرامش می کند.

۳) سیگار کشیدن در جمع دوستان باعث میشود حس بزرگتر بودن به شما دست بدهد؟ نه - اصلا برخلاف نظر دیگران وقتی سیگار می کشی دوستانت تحویل نمی گیرند.

۴) تا الان قانع شدی که چرا سیگار می کشی؟

نه- قانع نشده ام اما نمیتوانم سیگار نکشم ۱۱ ساله با من مونده باید بکشم درست مثل شام و نهار که باید بخورم.

خدمت سربازی تاثیری هم داشته؟

بله- صددرد صد من فقط سیگار می کشیدم اما رفتم سربازی به مواد دیگر هم مبتلا شده ام چون با یک پسر ۱۸ ساله خیلی بد برخورد می کنند و غرورش را له می کنند سربازی زندگی آدم را خراب می کند فقط دوست دارم مادرم حال و روز الانم را ببیند که با من چیکار کرد فقط دوست دارم زمان برگرده....

تهیه کننده: فائزه حق زاده





من در میان جمع و دلم جای دیگر است...

تأثیرات تلفن همراه

تأثیرات مثبت

تلفن همراه قابلیت های فراوانی دارد :

۱- امکان ارتباط دوسویه و چندسویه دائمی

۲- قابل برنامه ریزی بودن ارتباطات

۳- انتخابی بودن پذیرش ارتباطات

۴- در دسترس بودن

۵- استفاده ی چندمنظوره رسانه ای مانند استفاده از رادیو ، تماشای تلویزیون ، موسیقی

، ورود به جهان مجازی و اینترنت.

تلفن همراه به عنوان یک سیستم ارتباطی بدون سیم که امکان دسترسی را در شرایط مختلف فراهم می کند به یک نهاد ارتباطی همه جا حاضر تبدیل شده است. این رسانه دارای سه جنبه ی کلامی ، نوشتاری و تصویری است که جنبه ی کلامی اش به عنوان ابتدایی و اصلی ترین هدف کاربرد آن است.

برخی معتقدند یکی از کارکردهای تلفن همراه در جوامع معاصر ، کنترل اجتماعی به ویژه کنترل توسط خانواده است و به رغم اینکه تلفن همراه ارتباطات میان فردی را با آزادی بیشتری فراهم می کند. این رسانه ، شکل گیری نوعی از کنترل اجتماعی را ممکن می سازد که به وسیله آن ، مختصات مکان جغرافیایی و از آن مهم تر مکان جغرافیایی فرد تعیین می شود برای مثال دیگر نمی توان برای تأخیر تماس ها امکان نداشتن تماس را بهانه کرد. پیام هایی که پس از ساعت اداری بی بهانه با مضامین طنز، تریک مناسب ها، پیام های عاطفی و... بین دوستان و کارمندان جنس مخالف رد و بدل می شود شواهدی بر این مدعاست که بدون شک قابل چشم پوشی در میان روابط کاری معمولی نیست.

تأثیرات منفی در بدن

امواج موبایل سرطان زاست و علاوه بر آن ، احتمال ابتلا به بیماری های آلزایمر و پارکینسون را افزایش می دهد. در ازای حتی دو دقیقه صحبت با موبایل ، ساختار مولکولی بزاق دهان تغییر می کند. میدان های الکترومغناطیسی به ویژه آنهایی که در گستره ی فرکانس بدن هستند ، باعث تغییر عملکرد خوب موادمعدنی در بدن می شود و سرعت گسترش تومورها را افزایش می دهد. فاصله یک آنتن مخابراتی با انسان باید حداقل ۵۰ تا ۶۰ متر باشد ، تا ضرر امواج کمتر به انسان آسیب برساند. خطر امواج هنگام صحبت کردن از هر زمان دیگر بیشتر است. زیرا امواج در حال کم و زیاد شدن هستند. هنگام ارسال یا پیام تصویری خطر امواج هزار برابر بیشتر است. تشعشعات گوشی های تلفن همراه باعث ایجاد سنگ کلیه می شود .

چند درصد از مردم جهان و ایران موبایل دارند؟؟؟

طی دو سال اخیر، تلفن های هوشمند با نرخ ۱۰.۵ درصد رشد پیدا کرده اند و هم اکنون ۹۱ درصد از مرد دنیا دارای موبایل هستند که از بین آن ۵۶ درصد تلفن همراه هوشمند دارند. جالب است که از این قشر ۹۱ درصدی از کل مردم دنیا ، ۸۰ درصد از آنها بیشترین زمانشان را صرف استفاده از برنامه های کاربردی دستگاه خود می کنند و ۵۰ درصد از آنها از موبایل خود به عنوان تنها و اصلی ترین منبع دسترسی به اینترنت استفاده می کنند.

بر اساس آمارهای وزارت ارتباطات بیش از ۹۲ درصد از مردم کشور ما تلفن همراه دارند. کمتر از ۱۰ سال پیش بود که تلفن همراه در دست برخی افراد بود که مشاغل ارتباطی و خاص داشتند و لازم بود همواره در دسترس باشند به طوری

زندگی بشر از آغاز تا به امروز که عصر تکنولوژی است آنقدر تغییر و تحول داشته است که حتی فکر بازگشت به قرون گذشته خنده دار و غیرقابل تصور است. تکنولوژی تمام ابعاد علمی نوین بشر را در بر می گیرد اعم از علم پزشکی، هوا و فضا، نانو، سلاح کشتار جمعی ، ماهواره و ...

در اینجا به یکی از ابعاد تکنولوژی به نام تلفن همراه یا موبایل می پردازیم . در ابتدا تلفن همراه به عنوان تلفنی با قابلیت جا به جایی وارد جامعه شد. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که از جمله دلایل اولیه استفاده اجتماعی از این وسیله کسب و کار و امنیت بود. اما پس از مدت زمان کوتاهی تلفن همراه به نحوی بنیادین سبک های ارتباطی کاربران را دستخوش تغییرات عمده کرده است. تلفن همراه در میان فناوری های نوین ، به دلیل برخورداری از قابلیت فراگیر بودن و کثرت کاربران تأثیر به مراتب قوی تر بر زندگی اجتماعی ، سبک زندگی و رفتار مصرفی مصرف کنندگان داشته است. به عبارت دیگر تلفن همراه یکی از فردی ترین ابزار زندگی امروز است. این وسیله آثار مثبت و منفی در زندگی افراد دارد. عده ای معتقدند که به علت کارایی بسیار این وسیله تأثیرات مثبتش بیشتر از منفی است . اما در حقیقت این خود انسان ها هستند که تعیین می کنند در چه راهی از این وسیله استفاده کنند. تلفن همراه نه تنها بر خود فرد تأثیر می گذارد بلکه اطرافیان را هم تحت شعاع خود قرار می دهد.

برخی مواقع که در اتوبوس یا تاکسی در حال خودتان هستید این زنگ های تلفن چقدر آزاردهنده است. تا صدای تلفن همراه کسی می آید همه دست به جیب و کیف می برند شاید ناخودآگاه می خواهند بگویند ما هم موبایل داریم ! اگر تا آخر مسیر صدای تلفن همراه در نیاید آدم پیش خود می گوید : کسی منتظر من نیست و برای کسی مهم نیستم.

متناسب با پیشرفت تکنولوژی، موبایل و می بینند .
نتیجه گیری:

هر چیزی که در دنیای اطرافمان قرار دارد جنبه ی مثبت و منفی دارد که نمی توان منکر آن ها شد. انسان ذاتا اجتماعی است و از انزوا بیزار است. نیاز دارد که از اتفاقات دنیای پیرامون خود باخبر باشد تا برنامه های زندگی اش را جهت گیری کند. اثرات مثبت تلفن همراه در کفه ترازو سنگین تر است زیرا بسیاری از کاستی های زندگی بشر را کم کرده است بطوریکه درآمارگیری بیشتر مردم استفاده از آن را ضروری می دانند. مردم باید یاد بگیرند با هر پدیده ای که برخورد می کنند بتوانند برای بهتر زندگی کردن، آن پدیده را به نفع خودشان و مصالح و مقتضیات زندگی مدیریت کنند و اگر این کار را نکنند اولین آسیب را خودشان می بینند. درنهایت این خود انسان ها هستند که با نحوه استفاده شان از وسایط ارتباطی نظیر موبایل، نفع و ضرر خود را تعیین می کنند.

نویسنده: نیلوفر صادقی نژاد



که طبق آمارهای منتشر شده این نکته تایید می شود که در سال ۱۳۸۴ از میان کل جمعیت کشور تنها ۱۲ درصد تلفن همراه داشتند اما در سال های بعد با روی کار آمدن تلفن های اعتباری و پایین آمدن قیمت سیم کارت بتدریج میزان استفاده از تلفن همراه در جامعه گسترش یافت.

در اینجا از تلفن همراه و اثراتش بر مردم و جامعه سخن گفته شد. حال می خواهیم بدانیم که بعضی از مردم در روز چند ساعت از تلفن همراه استفاده می کنند و درضمن چه استفاده ای از آن می کنند. روی سی و پنج نفر تحقیق و گفت و گو انجام دادم. برخی از آن ها دارای تحصیلات بالایی هستند بعضی هم فقط سواد دیپلمی دارند. میانگین سنی آن ها بین ۱۷ تا ۵۰ سال است و از اقشار مختلف جامعه هستند: دانشجو، محصل، فرهنگی، مشاغل آزاد، کارمند، خانه دار. از نظر وضعیت تاهل، مجرد و متأهل تحت شعاع قرار می گیرد.

این افراد در روز بالای ۴ ساعت از موبایل خود استفاده می کنند و بیشتر استفاده شان از اینترنت و فضای مجازی است و عده ای هم به مطالعه می پردازند اما تعدادشان اندک است. نظرشان درمورد اینکه تلفن همراه بر طرز فکرشان و نگاهشان نسبت به محیط پیرامون تاثیر می گذارد یا خیر، متفاوت است. ۲۱ نفر از آنها معتقدند با این وسیله بر تمام جهان تسلط دارند و دیدشان نسبت به مردم کشورهای دیگر، دین و فرهنگ شان دگرگون کرده است آن ها معتقدند تلفن همراه برای زندگی بشراوری بسیار ضروری است و روی تمامی ابعاد زندگی فرد تاثیرگذار است. ۱۴ نفر دیگر اعتقادشان براین است که تلفن همراه بیشتر جنبه سرگرمی دارد و انسان ها را از مسائلی که در اطرافش اتفاق می افتد بی تفاوت می کند. این گروه معتقدند تلفن همراه سبب دوری افراد خانواده و دوستان و آشنایان از یکدیگر شده است و برعکس گروه اول اعتقادشان این است که افرادی که شرایط ندارند که حضوری یکدیگر را ملاقات کنند به وسیله تلفن همراه می توانند جویای حال یکدیگر شوند و می گویند هرروز که نمی شود مردم به منزل همدیگر بروند اما موبایل این امکان را فراهم کرده است که بتوانند هرروز خبر خانواده، دوستان و آشنایان را داشته باشند. به علاوه این دوگروه از اثرات منفی موبایل برانسان مطلع هستند. بطور مثال کاهش شنوایی، اثرات مخرب برچشم که اصلی ترین ابعادی منفی استفاده از موبایل است. بااین وجود نمی توانند حتی یک روز موبایل را کنار بگذارند و شدیداً به آن وابسته شدند. حتی برخی از این افراد استفاده شان از تلفن همراه به ۱۰ ساعت در شبانه روز می رسد که آمار بسیار عجیب و جالبی است و معتقدند اطلاعاتشان در همه ی زمینه ها اعم از علمی، اجتماعی، تاریخی و خیلی بیشتر شده است و این باعث غرور و اعتماد بنفس آن ها شده است همچنین معتقدند که تکنولوژی در طی سال های اخیر به نرمی و مداوم به زندگی مردم راه یافته است و بدون آنکه انسان ها از بدی و خوبی آن اطلاعات کافی داشته باشند، با آغوش باز آن را پذیرفته اند. این ۳۵ نفر خودشان را معتاد به تلفن همراه می دانند که دیگر قادر به ترک آن نیستند و امیدوارند که این وسیله پیشرفت های بیشتری کند چون پیشرفت و به روز شدن خودشان را



از بیکاری تا خودکشی...

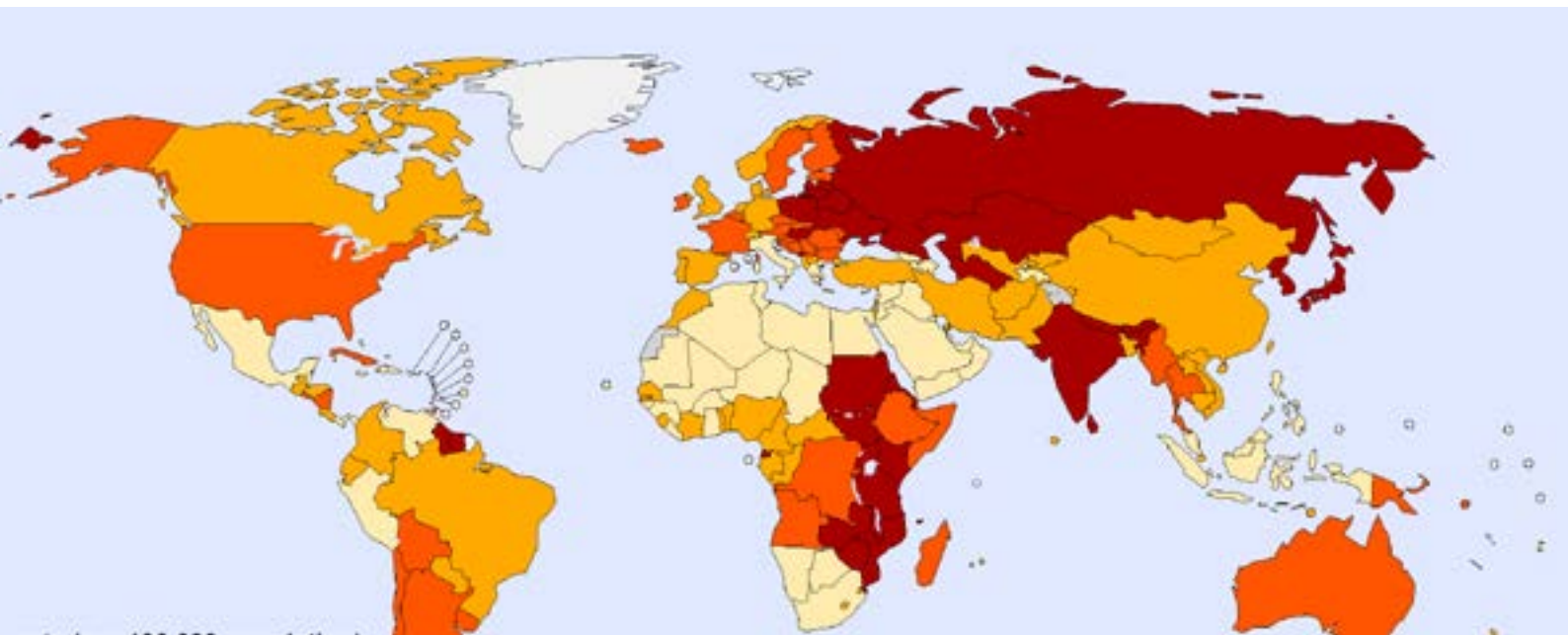
بعنوان یک مسئله جامعه شناختی و یک ضرورت تشخیص داده شده است. که چندین هزار عملیات انتحاری در طول کمتر از دو دهه در منطقه خاورمیانه بوقوع پیوسته و به تناسب آن کشته و زخمی شدن هزاران زن، مرد و کودک و از بین رفتن منابع انسانی و مادی، ضرورت پرداختن به این نوع از خودکشی را بعنوان یک مسئله منطقه ایی که پیامد جهانی دارد را دو چندان می کند.

علیرغم آن که میزان افکار خودکشی در ایران در مقایسه با سایر کشور های جهان بالاخص کشور های صنعتی، فاصله ی زیادی دارد. اما روند افزایش آن مخصوصاً در سال های اخیر موجبات نگرانی صاحب نظران و کاشناسان اجتماعی را فراهم نموده است. متأسفانه عدم وجود آمار های دقیق در ارتباط با مسایل و معضلات اجتماعی، اظهار نظر و تبیین دقیق ارتباط با مسایل و پدیده های اجتماعی را شکل می دهد.

در گذشته، خودکشی به عنوان جرم علیه خود و جامعه و به طور کلی گناه محسوب می شود. کسانی که خود را می کشند، از تشریفات کفن و دفن مذهبی محروم می شوند (فولادی، ۱۳۸۰). عوامل متعددی مرتبط با افزایش افکار خودکشی ذکر می شوند. مطالعات مربوط به عوامل مرتبط چون بیماری های روانی و اختلالات شخصیت، بیکار بودن، سوء مصرف مواد مخدر و مشکلات خانوادگی می دانند. (عقیلی، ۱۳۸۳). از حیث فصول، بیشترین خودکشی در فصل تابستان صورت گرفته است. خودکشی با دارو، در بین مردان شایع ترین روش و خودکشی با سن تحصیلات در ارتباط بود. افکار خودکشی در کشور های در حال توسعه، نظیر ایران، بر خلاف کشور های توسعه یافته، کمتر احتمال دارد که به سوء مصرف الکل به عنوان بخشی از خودکشی بپردازند و بیشتر احتمال می رود که مورد تهدید واقع شوند؛ علاوه بر این، احتمال تفکرات خودکشی در میان زنان و گروه های سنی جوان بیشتر از سایر گروه ها بوده و انتظارات نقش-جنسی، مشکلات بین شخصی و خانوادگی، خشونت خانوادگی به وسیله ی مردان و بیکاری بر آن تأثیر می گذارد.

افکار خودکشی به عنوان یکی از آسیب ها و کجروی های اجتماعی، معضلی است گریبانگر جامع اعم از پیشرفته و توسعه نیافته که در هر یک به نحوی منطبق با خصوصیات و ویژگی های آن جامعه بروز و تجلی می یابد. افکار خودکشی از دیدگاه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی در چارچوب ضعف همبستگی اجتماعی و تعارض های هنجاری در جامعه، بی نظمی اجتماعی، بحران های اقتصادی یا اجتماعی، وضعیت خانوادگی فرد و پایگاه اقتصادی- اجتماعی و... تهدید و به مخاطره افتاده جان انسان ها به هر دلیل و علت، فردی یا اجتماعی که ناشی از فقدان تحمل انسانی در برابر رنج و درد و موقعیت های حادث شده باشد.

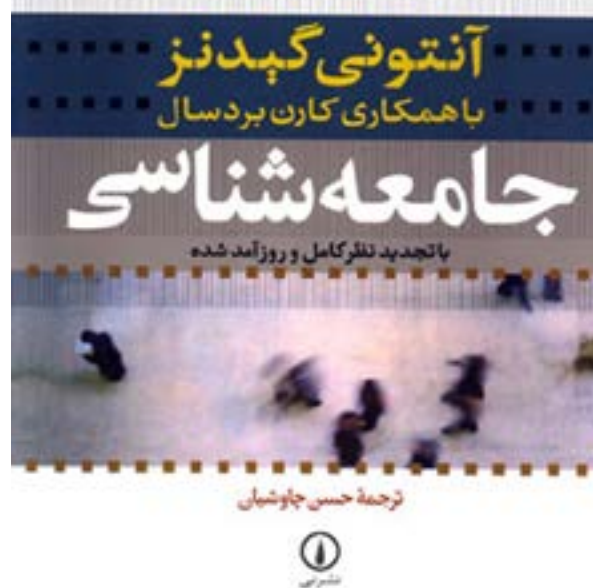
یکی از معضلات جامعه انسانی که در قرن اخیر به شکل رخدادی نابهنجار و یا مرضی در آمده نوعی از خودکشی است که ناشی از افکار قالبی ارزشی است. یکی از عوارض جوامع انسانی خصوصاً پیامد مهم جوامع نظام مند است که بیشتر متأثر از ناپسامانی ساختار جامعه، جنگ و اختلافات فرقه های شبه مذهبی است لذا رویکرد صرفاً پوزیتیویستی در جوامع مدرن و دیده نشدن افکار مذهبی بعنوان یکی از ارکان مهم معرفت بشری و واکنشی یکسو نگرانه و جزمی بنام بنیاد گرایی مذهبی را بوجود آورده که نتیجه آن قوم مداری افراطی و ایستار های دگمایی در عرصه جهانی است که در شرایط یاد شده زمینه تکوین نوع خاصی از خودکشی مهیا می شود. افکار خودکشی که در حوزه آسیب شناسی اجتماعی



جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز

زن سالاری...

ویراست چهارم



جامعه‌شناسی مطالعه قوانین و فرایندهای اجتماعی است که مردم را نه تنها به عنوان افراد و اشخاص بلکه به عنوان اعضاء انجمنها، گروهها و نهادهای اجتماعی شناسانده و مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی گروهها و جوامع انسانی است. مطالعه‌ای هیجان انگیز و مجذوب کننده که موضوع اصلی آن رفتار خود ما به عنوان موجودات اجتماعی است. دامنه جامعه‌شناسی بینهایت وسیع است و از تحلیل برخوردهای گذرا بین افراد در خیابان تا بررسی فرایندهای اجتماعی جهانی را در بر می‌گیرد.

از نکات جالب توجه دیگر کتاب جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز این است که او با توجه به علاقه‌ای که به انسان‌شناسی دارد، تکیه زیادی در این کتاب بر انسان‌شناسی داشته است و از این رو جامعه‌شناسی را با یک نگرش آنتروپولوژیک بیان کرده است. آنتونی گیدنز پیشاهنگ جامعه‌شناسی بومی بریتانیا و آرزومند قالب بندی دوباره نظریه اجتماعی و بازسنجی درک ما از مدرنیته است. با ۳۴ کتاب به ۲۹ زبان و ۲۰۰ مقاله از نظر مرجع به آثار، نفر پنجم است. تقریباً همه معاصران رانقد کرده و در علوم اجتماعی خرد و کلان زبانزد عام و خاص است. صاحب‌نظر در انسان‌شناسی، امور اقتصادی، سیاسی، تاریخ، فلسفی، باستان‌شناسی، روانشناسی و... است.

گردآورنده: بنیامین ایگدري

فلسفه آزادی خواهانه درباره تشکل های دموکراتیک فرهنگی بر پایه این اعتقاد که همه ی گروه های فرهنگی باید در عرصه جامعه حضور داشته باشند. قادر به هم زیستی با یکدیگر باشند. و اینکه با ارئه تصاویر مثبت از تنوعات قومی و کسب دانش درباره فرهنگ های دیگر می توان زمینه را برای مشارکت حداکثری به منظور ارتقاء جامعه فراهم کرد. امروزه در جامعه ما عدم سازگاری رفتاری که مردان از زنان نیاز دارند تا رفتاری که زنان عملاء انجام می دهند. به وفور مشاهده می شوند و یکی از عواقب این نوع رفتارها افزایش طلاق در جمهوری اسلامی ایران است. هر جامعه ی دارای ایدئولوژی مسلطی است. که تمامی رفتارها اجتماعی تعریف می کند. و ایدئولوژی مسلط بر طرز تفکر جامعه است. و جامعه نسبت هنجارها و انتظارات اجتماعی شکل می دهد. و همین طور ادبیات مورد استفاده گروه را مسلط را ارایه میدهد و منعکس کننده ای تصویری است که گروه مسلط از واقعیت خود ساخته دارند زیرا گروه های سرکوب شده که دیدگاه متفاوت دارند ممکن است زبان برای بیان دیدگاه های خود یا برای مفهوم بخشیدن به تفاوت هایشان نداشته باشند پس با توجه به این ،حق این قشر از بانوان ضایع می شود زنان تحصیل کرده دانشگاهی کشف چهارچوب ذهنی و واژگانی را برای بیان درکشان از واقعیت دشوار میابند حال با توجه به ای موضوع و به وجود آمدن این قشر از بانوان که قطا دارای فرهنگی متمایزی نسبت به فرهنگ قالب جامعه هستند نگاه ویژه داشته باشند تا به شناخت دقیقاً آسیب های اجتماعی ناشی از روابط آنها با جامعه را شناسایی و راه تعامل این قشر بانوان را برای عموم جامعه روشننگری کند.

نویسنده: رضا بشارتلو





بازدید از مرکز توانبخشی بهکوش

توسط انجمن علمی علوم اجتماعی دانشگاه گلستان

معلولیت محدودیت نیست

کارشناس امر فرهنگی دانشگاه گلستان نیز ما را در این بازدید همراهی کردند. در این بازدید بیشتر دانشجویان ورودی ۹۴ و ۹۳ شرکت داشتند و تعداد کمی از دانشجویان ورودی های دیگر را در بر میگرفت. ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه به سمت مرکز بهکوش به راه افتادیم هنگامی که به آنجا رسیدیم بعضی از دانشجویان نگران و مضطرب بودند چون همیشه دیدن همچین افرادی استرس خاص خود را دارد.

با هماهنگی های قبلی استاد غلامی با جعبه شیرینی که به دست داشت زنگ در را زد وبا پسری سلام واحوال پرسى کرد که ما انتظار نداشتیم پست یا مسئولیتی در آن مرکز داشته باشد. او یک بیمار سندروم دان بود که وظیفه انتظامات مرکز را برعهده داشت واینطور که به نظر می رسید بسیار خوب از پس این مسئولیت برآمده بود .

وارد سالن که شدیم خبری از بچه ها نبود خانومی وارد شد که پس از معرفی فهمیدم رئیس مرکز است او از توانایی ها وشرایط وقوانین مرکز گفت : این مرکز پسرهای ۱۴ سال به بالا را پذیرش می کند .ساعت های کاری این مرکز از ساعت ۸ صبح تا ۲ بعد از ظهر می باشد و بعد از پایان ساعت کاری پسرها به منزل خودشان میروند .پسرها به گروه هایی تقسیم شده اند که هرگروه مربی خاص خود را داراست. در این مرکز قالببافی، موسیقی، کارهای سنتی و نقاشی آموزش داده می شود .

بازدید دانشجویان علوم اجتماعی دانشگاه گلستان از مرکز توانبخشی بهکوش ، مرکزی که پسرهای ۱۴ سال به بالا را پذیرش میکند و به آنها قالببافی، موسیقی، کارهای سنتی دستی و نقاشی آموزش میدهد. به آنها شور و نشاط و اعتماد به نفس را یاد میدهد و جمله ی معلولیت محدودیت نیست را مطرح میکند. در روز چهارشنبه دوم دی ماه ۱۳۹۴ توسط انجمن علمی علوم اجتماعی دانشگاه گلستان به بازدید از مرکز توانبخشی بهکوش در شهرستان گرگان رفتیم .

۱۸ دانشجوی دختر و ۱۳ دانشجوی پسر رشته علوم اجتماعی در این بازدید شرکت نمودند که تقاضا برای شرکت در این بازدید از سوی دانشجویان دختر بسیار زیاد بود ولی متاسفانه به دلیل محدود بودن وسیله نقلیه نتوانستن در بازدید شرکت کنند. دکتر غلامی عضو هیات علمی و خانوم صفری

اونا گریه میکنم. اگر کسی از آنها مریض بشه من ناراحت میشم و وقتی که غروب میرم خونه فکرم پیش اوناست.

در آخرین لحظات این بازدید بودیم که یکی از بانمک ترین اتفاقات بازدید افتاد پیر مردی که تمام افراد بازدید را به وجد آورد. او آشنای دوتن از دانشجویان بود و به محض دیدن آنها برخورد گرمی کرد. پیرمرد با تمام ایراداتی که جامعه به اون وارد کرده بود برای ما شعر خواند و ما هم از سر ذوق برایش دست میزدیم کوچکترین نشانه ای از ضعف یا معلولیت در آن دیده نمیشد. او حتی از سابقه خودش برای ما در صداوسیما و برنامه خندوانه گفت.

شاید علت این همه اعتماد بنفوس ورود آنها به این مرکز است مرکزی که توانایی های آنها را شناسایی کرده و جای رشد و ترقی به آنها داده است. بودن در کنار آنها خیلی حس خوبی بود آدمای مهربونی که شاید جامعه برچسب معلولیت و ناتوانی جسمی به آنها داده است اما آنها به دور از تمام فریب و بدجنسی هایی بودند که هر روز می بینیم....

در حالی که در حال خارج شدن از مرکز بودیم دکتر غلامی از رئیس مرکز پرسید چه مشکلاتی در این مرکز وجود دارد؟ که ایشون حمایت از این مرکز و بچه ها رو بزرگترین کمک به این بچه ها دانستن و مشکل بعدی خود را مسائل مالی برای تامین هزینه های خدماتی و تفریحی این بچه ها دانستند.

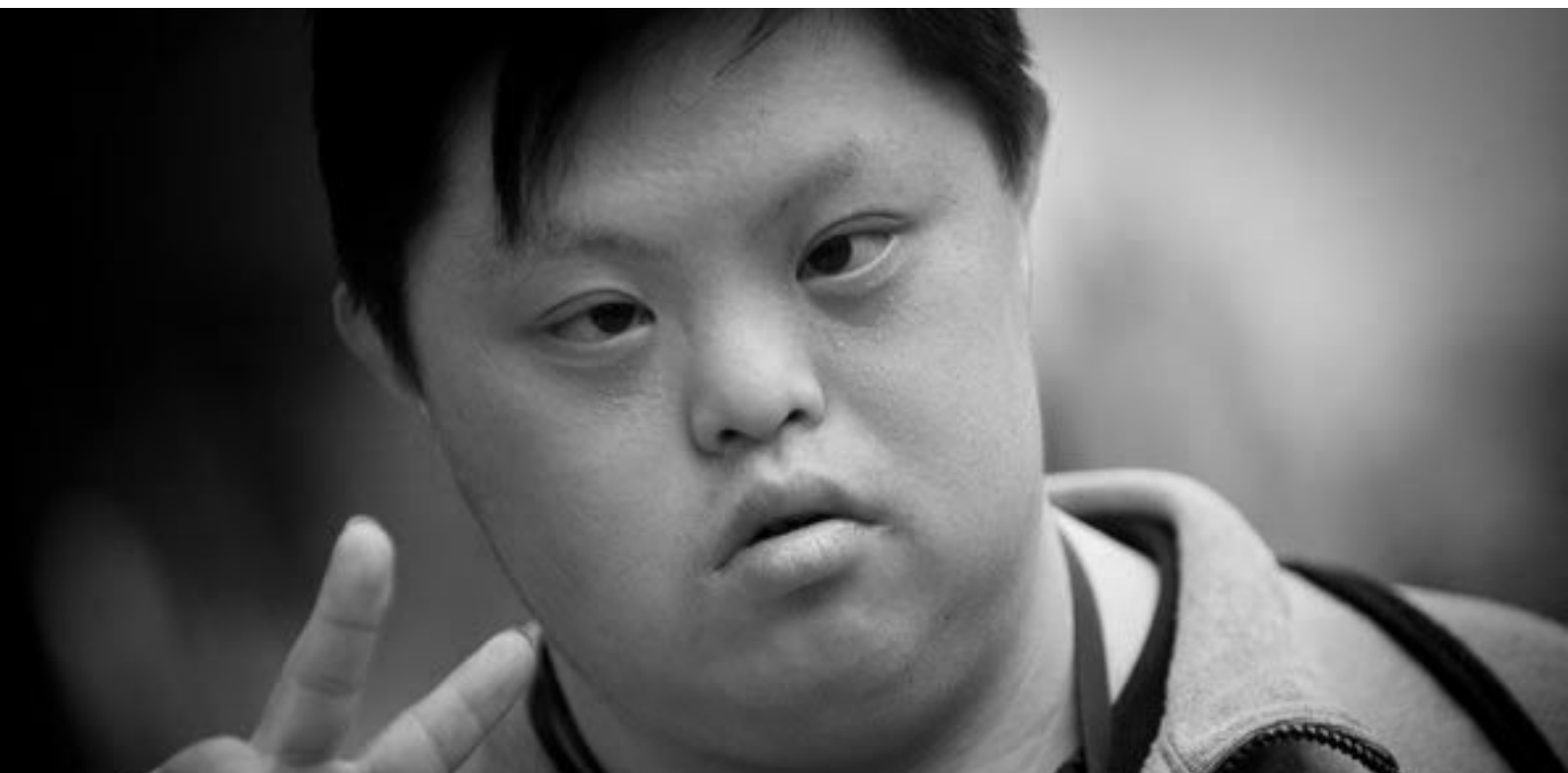
شاید نتیجه ای که از این بازدید میگیریم این باشه که ناامیدی توی دنیا معنی نداره. اونها از نظر جسمی کمبود هایی داشتند اما تلاش و پشتکار شان ستودنی بود. تک تک افرادی که اونجا بودن سرشار از امید به زندگی و سرشار از هدف برای آینده خود. آنها با مشکلاتشان کنار آمده بودند و پذیرفته بودند حال چرا ما کنار نیایم.

جمله معلولیت محدودیت نیست شاید مهمترین نتیجه ای بود که این مرکز به ما یاد داد. پس بیاییم بیشتر حواسمون به این فرشته های زمینی باشه، سه شنبه ها مرکز بهکوش منتظر افرادی مثل ماست که بروند و حمایتشون کنند.

تهیه کننده : فائزه حق زاده

اولین اتاقی که به آن وارد شدیم هشت پسر در آن بودند که مشغول داخل کردن نخ در یک شی دایره ای شکل بودند مربی آنها میگفت: آنها قبل از ورود به مرکز حتی قادر به انجام اینکار ساده ام نبودند. این ابتدایی ترین قسمت مرکز بود بعد از آن وارد اتاقی شدیم که در آن چهار پسر حضور داشتند که از نظر رفتار اجتماعی گوشه گیر و افسرده بودند اما از نظر کار خیلی پیشرفت داشتند یک نوع پارچه محلی می بافتند کسانی که تازه واردتر بودند نقش های آسان تر و کسانی که مدت بیشتری در آنجا بودند نقش های پیچیده تر. من هرچقدر سعی کردم نتوانستم با افراد این اتاق ارتباط برقرار کنم. سومین اتاقی که رئیس مرکز بهکوش ما رو به آنجا راهنمایی کرد خیلی دوست داشتنی بود و پسرهایی رو می دیدیم که کوچکترین شباهتی به افراد معلول یا مریض نداشتند اما به گفته مربی آنها توان ذهنی پایینی داشتند. آنها قالی می بافتند کاری که خیلی از ما که ادعای سلامتی داریم نمیتوانیم انجام دهیم اونجا بود که خیلی افسوس خوردیم و شاید شرمنده شدیم که چرا از نعمت هایی که داریم استفاده نمی کنیم و آنها با وجود تمام مشکلاتی که دارند اینقدر با انگیزه کار میکنن. مربی آنها گفت که بعضی از آنها سطح تربیت پذیر بودن را گذراندن و وارد بازار کار شدن و برای خودشان درآمد دارند.

از مربی این بخش پرسیدم شما از این که در این مرکز مشغول به کار هستید خسته نشدید: بلافاصله با خنده جواب داد هر کدام از این پسران مثل بچه های خودم هستن. با خنده ی اونا خنده و با گریه



آزادی های مدنی...

نگاهی نو برای اتحادی نو بر مبنای اصول

مواد از آزادی ها یا اختیارات مدنی آن نوع آزادهای شخصی و اجتماعی است که از مناسبات مدنی افراد مشتق می شود و قانون، جز در موارد مصلحت عمومی یا نفع همگانی آن را در برابر تقسیمات تضمین می کند. آزادی های مدنی زمانی به صورت حقوق مدنی در می آید که از طریق اقدام قضایی یا اداری طلب تنفیذ شده باشد.

آزادی مدنی مفهومی است که الماس اندیشه سیاسی و دموکراتیک نوین به شمار می آید. کلی ترین کاربرد آن، به معنی آزادی فردی و عمل شخصی، در تصرف در مال و استفاده از آن، در عبادت و اعتقاد دینی و در بیان عقیده است. گمان می رود که این آزادی متضمن حق حمایت از افراد هم در برابر مداخله حکومتی و هم در برابر مداخله خصوصی باشد، اما این آزادی در اصل حقی است برای فرد در مقابل حکومت سلطه طلب در برخی تعاریف اصطلاح آزادی مدنی تنها به آسوده بودن از مداخله خودسراه حکومت در امور شخصی به دارائی یا عقیده محدود شده است.

از آنجا که آزادی مبتنی بر قانون هرگز مطلق نیست، مباحثه فراوانی بر سر حدود آن در گرفته است. بنابراین برخی از کسانی که این اصطلاح را به کار می برند بر این نکته تاکید می کنند که آزادی حد و حدودی دارد. آزادی مدنی به این معنا عبارت است از آزادی هر عضو جامعه، یعنی آزادی طبیعی انسان، که فقط قوانین انسانی و نه چیز دیگر، آن را تا جایی محدود کند که برای نفع عموم یا مصلحت همگانی ضروری و مقتضی باشد. و یا از سوی دیگر، فرهنگ های آزادی خواه-قانونی، تصدیق می کنند که آزادی باید به وسیله عرف، اخلاقیات، ذوق و سلیقه و خویشتن داری، یا به وسیله قوانینی که از رفاه و آزادی دیگران حمایت می کنند، محدود شود.

گاهی اوقات صرفاً از راه بر شماری به آزادی های مدنی اشاره می شود از قبیل «آزادی مورد مطالبه و یا موافق طبع اشخاص برای سخن گفتن، نوشتن، نشر دادن، اجتماع کردن و سازمان یافتن بدون مداخله یا مجازات». اگر از این تعریف مبتنی بر شمارش استفاده می شود، بسیاری از افراد تصدیق خواهند کرد که فهرست آزادی های مدنی با تغییر زمان و مکان تغییر می پذیرد؛ از همین رو هیچ فهرست ثابتی را نمی توان تنظیم کرد که برای همه جوامع و تحت هر وضع و موقعیتی معتبر باشد.

حال با توجه به تعریفاتی که از آزادی مدنی شد که اساس اندیشه سیاسی دموکراتیک است لازم می دانم تا یکی از سیماهای اصلی

نوعی حکومت که دموکراتیک شناخته می شود را به شما دانشجویان معرفی کنم و در آخر یک نتیجه کلیدی کلی از این موضوع داشته باشیم و آن هم اصطلاح اپوزیسیون است.

اصطلاح اپوزیسیون، به مفهوم خاص سیاسی آن، معمولاً به معنی گروه منسجی از اشخاص است که به طور منظم با یکدیگر دست به عمل می زنند و می توانند خود را مجموعاً به صورت حکومتی بدیل، به رأی دهندگان معرفی کنند.

یکی از سیمای اصلی نوع حکومتی که دموکراتیک شناخته می شود فرصتی است که بر طبق قانون به مردم می دهند تا با کسانی که فعلاً قدرت را در دست دارند به مخالفت برخیزند. حکومت های دموکراتیک نه فقط به مردم اجازه می دهند که از متصدیان قوه اجرایی انتقاد کنند، بلکه وسیله ای فراهم می کنند که مردم به مردان به انتقادات خود جامعه عمل بپوشاند و رأی دهندگان را به ساقط کردن حکومت خطی درانتخابات آینده ترغیب کنند. حال زمان آن رسیده است که دقت بیشتری به قوانین وضع شده در جمهوری اسلامی ایران بشود و تمامی قوانین در بهترین سطح آن در جامعه پیاده بشوند، چرا که بعضاً بعضی از قوانین موجود نادیده گرفته می شوند و در حق اقلیت ها و خرده فرهنگ ها که امروزه فرهنگ غالب بر جمهوری اسلامی هستند، اجهاف می شود، و این اصل باید در قشر تأثیر گذار و با نفوذ جامعه رعایت شود که باید به سلیقه ها و افکار مختلف احترام بگذارند و زمینه را برای مشارکت آنها فراهم کنند تا جمهوری اسلامی ایران با اقتدار حرکتی رو به جلو داشته باشند چرا که اگر این اصل رعایت نشود امکان تبدیل اقتدار جمهوری اسلامی ایران به قدرت دست و این تغییر ناخودگاه باعث طغیانی از توده مردم می شود. پس در این زمان نیاز به آزادی مدنی در جمهوری اسلامی ایران از هر چیزی دیگری بیشتر احساس می شود.

نویسنده: سجاد فرهنگد پارسا



نقد فیلم روایت شیرین و شک بر انگیز یک جدایی...

فیلم سینمایی جدایی نادر از سیمین که در سال ۱۳۹۰ موفق کسب جایزه ی اسکاربهترین فیلم خارجی زبان شد و همچنین عنوان بهترین فیلم جشنواره ی فجر را از دیدگاه تماشاگران در همان سال کسب نمود نمی تواند یک فیلم ساده ی سینمایی قلمداد شود در اینجا با نگاهی متفاوت به تحلیل و بررسی این فیلم سینمایی اجتماعی خواهیم پرداخت.

فیلم «جدایی» سرشار از گره افکنی ها نماد ها و رمزهایی است که طی جریان فیلم با آن ها چه به صورت محسوس و چه به صورت غیر محسوس روبرو می شویم، در وهله ی اول این فیلم مارا با نمادی از طبقه ی مدرن متوسط جامعه ی ایران آشنا می کند که همان شخصیت های اصلی فیلمنامه، نادر و سیمین هستند-با بازی پیمان معادی و لیلا حاتمی.

در سکانس نخست فیلم با بحث و مشاجره ی شان با هم در دادگاه و در محضر قاضی روبرو میشویم سیمین دلیل جدایی از نادر را شرایط بد جامعه اش تشریح می کند این اولین گزاره (نشانه) از انتقاد به جامعه ی فعلی ایران قلمداد میشود، ضمن اینکه نادر در این نظر با سیمین هیچ مخالفتی را ابراز نمی کند و تنها دلیل مخالفتش با جدایی از سیمین و نیامدنش باوی به خارج از کشور را وجود پدر سالخورده اش که دچار بیماری آلزایمر (فراموشی) است می داند.

جدایی بهانه ای میشود که ما پس از عدم حضور سیمین در خانه برای نگهداری از پدر با خانواده ی دیگری که از طبقه ی سنتی و محروم و پایین دست جامعه ی ایران و نمادی از طبقه ی جامعه ی سنتی هستند آشنا شویم و ابعادشخصیتی راضیه-با بازی ساره بیات- و اعتقادات مذهبی محکمش که در سکانس تمیز کردن پدر نادر برای ما نمایان میشود مارا برآن میدارد که اورا نماینده ی طبقه ی سنتی بنامیم.

جامعه شناسی بدون جامعه



فرض کنید یک زیست شناس یا یک فیزیکدان هستید. آخرین باری را به یاد آورید که روی یک گونه زیست شناختی تحقیق می کردید یا چگالی چیزی را اندازه گیری می کردید. حال تصور کنید دیگر اجازه استفاده از آن مواد و انجام آن آزمایشات را ندارید! چه رخ می دهد؟ و چه اتفاقی برای شما و علم مورد بحثتان می افتد؟

چگونه می توانید دانش خود را بدون داشتن ابزار و مواد گسترش دهید؟ چه سرنوشتی در انتظار آن علم خواهد بود؟ برای یادگیری چه می کنید؟ تنها راه شما برای کسب دانش بیشتر وارد کردن آن علوم از جای دیگر است. جایی که مواد و ابزار در اختیار دارند. اما آیا علوم وارداتی می توانند جایگزین علمی شوند که شما خود آنرا به ثبت رسانده اید؟ آیا همه نیازهای جامعه مصرفی شما را تامین می کند؟ مشخص است که در این حالت باید چشمتان به دست صادر کننده و وارد کننده باشد و شما باید از همان علوم وارداتی استفاده کنید و حق انتخاب ندارید. پس از مدتی به ستوه آمده و درخواست ماده و ابزار می کنید. اما پاسخی که می شنوید شما را راضی به استفاده از علوم وارداتی می کند: مواد را باید به نفع ما تغییر دهید... دوباره به سراغ علوم وارداتی می روید اما اینگونه پیشروی در علم ملال آور بوده و خود را بیش از پیش وابسته و منزوی می یابید. گویی تقلید بخش جدا نشدنی از جامعه شناسی بدون جامعه است... جامعه شناسی در ایران چنین وضعیتی پیدا کرده...

جامعه شناسی با مهندسی اجتماعی تفاوت دارد و غیر جامعه شناس ها آنرا سخت درک می کنند... از اینرو مواد و ابزار گرفته شد و نوع خاصی از آن که از ویژگی هایش خواب آور بودن است در اختیار ما قرار گرفت. حالا جامعه شناسی وارداتی اما در مسیر خود همه چیز را با خود می برد... آداب را و رسوم را... ما حتی نتوانستیم از آن دلیل مشکلات بگوییم. از چرایی رشد تصاعدی طلاق... از چرایی رشد میزان خود سوزی... از چرایی افزایش پدیده قتل و از خود بیگانگی... بگذارید دلیل این آخری را برایتان توضیح بدهم... اما چشمانم سنگین شده احساس می کنم به کمی خواب احتیاج دارم...

نویسنده: محمد عرب

تشکل جزیره ای!

و جسارت در تعرض به حقوق دیگران تبدیل به ارزش می شود . ارزش ها دگرگون می شود و جامعه در بی قانونی فرو می رود . تشکل های جزیره ای به این موضوع دامن می زنند . تشکل هایی که ایدئولوژی خود را بر حق دانسته و به هر قیمتی قصد درست جلوه دادن آن را دارند . در چنین جوامع نفس کشیدن سخت و پویایی جرم محسوب می شود . این چرخه ایست که در حافظه تاریخی ما نقش بسته . و گویی غیر از این هم نمی تواند باشد . صاحبان قدرت ، به مقاصدشان می رسند و غیر آنها هم در تلاطم امواج غرق می شوند . گشایشی برای غرق شوندگان نیست و ... به امید خروج از جزیره ...

نویسنده: میلاد عبدالله آبادی

تشکل ها آینه تمام نمای بدنه ی دانشجویی هستند و اساس شکل گیری تشکل ها فعالیت همه جانبه دانشجویان می باشد . به طبع دانشگاه گلستان هم از این قاعده مستثنی نیست و تشکل های را در درون خود جای داده است .

تشکل هایی که با هدف به کار گیری همه ی دانشجویان علاقمند در مسیر رشد و هم فکری بنیان نهاده شده اند تا تمرینی باشند برای دانشجویان تا بهتر بتوانند در عرصه ی عمل توانمندی های خود را به منصفه ظهور بگذارند . باید دانشجویان یاد بگیرند که چگونه خود امور را مدیریت کنند و چگونه با یک دیگر کار کنند . تشکل باید تجربه ی کار تیمی را در اختیار همه ی دانشجویان بگذارد و افراد را مدیر و مدبر بار آورد . نه آنطوری که مدیران امروزه آزمون و خطا را بر عرصه ی مدیریت آورده و باعث نا کارآمدی نظام اداری شده اند . آنان نیاموختند چگونه با هم برای هدف مشترک کار کنند . از این امر پیداست که تشکل ها نتوانستند به رسالت واقعی خود عمل کنند . آیا تشکل ها به رسالت خود واقف اند . آنان چگونه بدنه ی دانشجویی را به سمت خود جذب می کنند و چگونه کار تیمی را به آنان می آموزند ؟ تشکل ها امروزه جزیره ای شده اند . آن ها نه تنها مخاطب خود را بدنه ی دانشجویی قرار نمی دهند بلکه بدنه دانشجویی را از خود جدا و آیندگان شان را خود انتخاب می کنند . آنان با این کار تشکل ها را در انحصار خود در آورده و فرصت فعالیت را از دیگر دانشجویان گرفته اند . از این رو بدنه ی دانشجویی هر روز منفعل تر شده و خمودگی به یکی از خصایص آن بدل شده است .

دانشجویان بی تفاوت و تشکل ها ، اسباب دست صاحبان قدرت شده اند هرچند این موضوع مطلق نیست ، با این حال نمونه های مشابه زیادی وجود دارد . انحصار طلبی و خمودگی بر جو دانشگاه های کشور سایه افکنده و بیش از پیش کشور را در مسیر تقلید و در شرف فرهنگ وارداتی قرار داده است . بدنه ی دانشجویی خموده و فعالان انحصار طلب همان مردم مرده و مسئولین منفعت طلب است .

تنها چیزی که اهمیت دارد سکوت مردم و چپاول مسئولین است . بنابر این می توان دانشگاه را نمونه کوچکی از جامعه دانست . بدیهی است که در چنین جوامع ای سکوت در مقابل بی اخلاقی



معرفی فیلم

Inside out

محصول سال ۲۰۱۵

کشور: آمریکا

کارگردان: پیت داکتر



این انیمیشن سینمایی که اخیرا جایزه ی اسکار بهترین انیمیشن سال ۲۰۱۵ را از آن خود کرد نه تنها یک فیلم سینمایی جذاب و آموزنده برای کودکان است بلکه طیف مخاطبانش را در بزرگسالان نیز جستجو می کند، پیت داکتر کارگردان انیمیشن های موفق "بالا" و "کارخانه ی هیولاها" این بار هم در راستای اهداف جهانی استدیوی انیمیشن سازی "پیکسار" اثری تامل برانگیز و کم نقص خلق نمود، او با زبانی ساده و با کمک پل اکمن روان شناس و جامعه شناس سرشناس آمریکایی مغز را در غالب انیمیشن "درون برون" تشریح می کند. شخصیت اصلی انیمیشن دخترچه ای به نام "رایلی" است، داستان از جایی شروع می شود که رایلی به دنیا می آید و پنج حس در سر او یک به یک خود را به مخاطبان معرفی می کنند از جمله شادی، غم، ترس، خشم و تنفر. در این انیمیشن ما با زبانی ساده با فعالیت های مغز انسان آشنا می شویم و در می یابیم که انسان در شرایط مختلف و بر چه اساسی ممکن است افسرده یا شاد باشد و یا خشم ، ترس و تنفر به چه صورت در مغز ما فعالیت می کنند.

این انیمیشن جذاب که می تواند کلاس درسی مفید برای دانشجویان روان شناسی و علوم اجتماعی هم باشد توسط برترین گویندگان کشور به زبان فارسی دوبله شده است و در سایت های معتبر اینترنتی موجود می باشد.

sicario

محصول ۲۰۱۵

کشور آمریکا

کارگردان: دنیس ویلنوو



فیلم سینمایی سیکاریو که امسال نامزد اسکار و نخل طلای جشنواره ی کن نیز بود بی رحمی دنیایی را نشان می دهد که نمی توان با تمام برنامه ریزی های دقیق هم در مقابلش ایستاد، داستان یک مأمور اف بی آی که از پشت پرده ی جنگ هایی که در خاورمیانه و مکزیک بوجود آمده است با خبر می شود اما آیا او به تنهایی می تواند مقابل دسیسه ها و کارشکنی ها ایستادگی کند، دنیس ویلنوو با کمک فیلمنامه ی پل شریدر و با بازی های درخشان امیلی بلانت و بنیسیو دل تورو واقعیتی پوچ را به تصویر می کشد و به مخاطبانش یاد آور می شود ایستادگی در مقابل بی رحمی به تنهایی ممکن نیست. تماشای این فیلم سینمایی اکشن، پر تنش و واقع گرایانه را به تمامی دوست دارن سینما و انسان پیشنهاد می کنم.

گردآورنده: محسن شعبانی



وودی آلن و زندگی وارونه

در زندگی بعدی،
کاش میشد مسیر را، وارونه طی کنم.
در آغاز، پیکری بیجان و مرده باشم و آنگاه راه آغاز شود...
در خانه ای از انسان های سالمند، زندگی را آغاز کنم
و هر روز
همه چیز بهتر و بهتر شود.
به خاطر بیش از حد سالم بودن، از خانه بیرونم کنند.
بروم و حقوق بازنشستگی ام را جمع کنم.
و سپس، کار کردن را آغاز کنم.
روز اول یک ساعت طلایی خواهم خرید و به مهمانی و پایکوبی خواهم رفت.
سپس چهل سال پیوسته کار خواهم کرد و هر روز، جوانتر خواهم شد.
آنگاه، برای دبیرستان، آماده ام.
و سپس به دبستان میروم.
و آنگاه کودک میشوم و بازی میکنم.
هیچ مسئولیتی نخواهم داشت.
آنقدر جوان و جوانتر میشوم تا به یک نوزاد تبدیل شوم.
و آنگاه نه ماه، در محیطی زیبا و لوکس، چیزی شبیه استخر،
غوطه ور خواهم شد.
و سپس، با یک لحظه برانگیختگی شورانگیز، زندگی را در اوج به پایان برسانم...

